

## مفهوم، ماهیت و آثار حقوقی شرط اداره دادرسی در بیمه مسوولیت

دکتر محسن ایزانلو\*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران  
تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۳۰

### چکیده

اغلب بیمه‌نامه‌های مسوولیت حاوی شرطی هستند که به بیمه‌گرا اجازه می‌دهند در صورت اقامه دعوا از سوی شخص ثالث زیان‌دیده در ارتباط با خطری که تحت پوشش بیمه است، به نمایندگی از بیمه‌گذار هدایت و اداره دعوا را به عهده بگیرد. هدف اصلی شرط، اعطای حق انحصاری به بیمه‌گر جهت کنترل دعوا و جلوگیری از تبانی زیان‌دیده و بیمه‌گذار است. در ارتباط با ماهیت حقوقی، اعتبار و بویژه آثار منفی و مثبت این شرط بر بیمه‌گر و بیمه‌گذار پرسش‌های زیادی مطرح است. این مقاله با یک نگاه تطبیقی به پرسش‌های مطرح در این زمینه پاسخ می‌گوید.

**واژه‌های کلیدی:** بیمه مسوولیت - شرط اداره دادرسی - وکالت - اعتراض شخص ثالث - شرط نتیجه

### مقدمه

در صورتی که وارد کننده زیان تحت پوشش بیمه مسوولیت باشد، از آنجا که بار نهایی جبران خسارت به عهده او نیست، ممکن است در دعوایی که از سوی زیان دیده علیه او مطرح می شود، با تبانی زیان دیده به مسوولیت خود اقرار کند یا به میزان بیشتر از خسارت واقعی با زیان دیده صلح کند. حتی اگر بیمه گذار با حسن نیت هم باشد، ممکن است در دعوایی که زیان دیده علیه او مطرح می کند، به دلیل اطمینان از بیمه بودن، دادرسی را جدی نگیرد و آنگونه که شایسته است به دفاع از خود نپردازد. به همین دلیل در بیمه نامه های مسوولیت شروطی درج می شود که به موجب آن، اولاً- بیمه گذار از هرگونه اقرار به مسوولیت منع می شود؛ ثانیاً- از انعقاد هرگونه صلح با زیان دیده بدون رضایت بیمه گر ممنوع می شود و در عوض حق مصالحه به بیمه گر اعطا می شود (برای دیدن مفهوم و آثار شرط منع اقرار و منع مصالحه و اعطای حق مصالحه به بیمه گر رک. کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۸۷، ش ۷۱۳ و بعد). همچنین به موجب شرط دیگری، حق اداره دعوا به بیمه گر منتقل می شود. چنین شرطی به "شرط اداره دادرسی" (Clause de direction de proces (FR)) مشهور است و در کشورهای مختلف از اهمیت اساسی برخوردار است. در عین حال در توجیه ماهیت و آثار آن اختلافات زیادی وجود دارد. در ایران اگرچه شرط مذکور در شمار شرایط عمومی بیمه های مسوولیت است<sup>۱</sup>، در عمل به ندرت مورد استفاده بیمه گران قرار می گیرد. عدم اعمال شرط مذکور تا حدی ناشی از ابهام نظری موجود در مورد تحلیل ماهیت حقوقی و آثار این شرط است. البته دلایل مهم دیگری هم وجود دارد که در متن به آنها اشاره خواهد شد. ضمن دو گفتار آینده، ابتدا مفهوم و ماهیت و سپس آثار شرط اداره دادرسی را بررسی خواهیم کرد.

### گفتار نخست - مفهوم و ماهیت

#### بند اول - مفهوم

شرط اداره دادرسی حاوی دو بخش است: تکلیف بیمه گذار به سپردن اداره دعوا به بیمه گر و اختیار بیمه گر نسبت به اداره دعوی زیان دیده علیه بیمه گذار. (Lambert-Faivre, 1995, n. 66)

۱. برای نمونه ماده ۶ شرایط عمومی بیمه نامه مسوولیت مدنی حرفه ای پزشکان مقرر می دارد: "بیمه گر می تواند در صورت لزوم به هزینه خود دفاع از بیمه گذار را به مناسبت مسئولیتهای موضوع این بیمه نامه بر عهده گیرد. در اینصورت بیمه گذار موظف است اختیار تعیین وکیل را رسماً به بیمه گر تفویض نماید." همچنین ماده ۹/۲ شرایط عمومی بیمه نامه مسوولیت مدنی متصدی حمل و نقل (آیین نامه شماره ۳۹ شورای عالی بیمه) مقرر می دارد: "بیمه گر میتواند در تمام دعاوی حقوقی که علیه بیمه گذار در رابطه با مسئولیتهای نامبرده تحت بارنامه های صادره در مراجع قضایی مطرح می شود، از بیمه گذار دفاع نماید و در مواردی که مصلحت بداند خارج از دادگاه، نسبت به پرداخت خسارت اقدام یا بازبان دیده توافقی نماید. بدین منظور بیمه گذار به موجب این قرارداد به بیمه گر وکالت با حق توکیل می دهد."

به این ترتیب، به موجب شرط، بیمه‌گر در دعاوی حقوقی که از سوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گذار مطرح می‌شود، می‌تواند به عنوان وکیل او در دادرسی مشارکت کند.

آیا اداره دادرسی دعاوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گذار تکلیف بیمه‌گر است یا حق او؟ بدون شک بیمه‌گر حق دارد که در صورت اقامه چنین دعوی به نمایندگی از بیمه‌گذار در دادرسی شرکت کند. به عنوان لازمه این حق هم بیمه‌گذار مکلف است اداره دادرسی را به بیمه‌گر واگذار کند. اما آیا بیمه‌گر می‌تواند در صورت طرح دعوا از به عهده گرفتن اداره دادرسی امتناع کند تا بیمه‌گذار، خود به دفاع از دعوا بپردازد؟ به عبارت دیگر آیا اداره دعوا، تکلیف بیمه‌گر هم هست؟ پاسخ این پرسش تا حدی به تعریف بیمه مسئولیت بستگی دارد: آیا بیمه مسئولیت، تنها مسوولیت قطعی بیمه‌گذار را تحت پوشش قرار می‌دهد یا آنکه در صورت طرح هرگونه ادعای مسوولیت علیه بیمه‌گذار، بیمه‌گر مکلف است ادعای مسوولیت را در قالب پرداخت هزینه‌های دفاع یا اداره دعوا پوشش دهد؟ در حال حاضر در برخی کشورها بر مبنای تعریف اخیر، اداره دعوا علاوه بر آنکه حق بیمه‌گر است، تکلیف او هم هست. در حقوق بلژیک، به موجب قانون (ماده ۷۷ قانون قرارداد بیمه مصوب ۱۹۹۲، ک. ۱۹۹۲، Fontaine, 2006, n. 713 et 714؛ پیش از قانون ۱۹۹۲ اداره دادرسی همانند حقوق فرانسه تنها حق بیمه‌گر بوده است و نه تکلیف او: Fontaine, 2006, n. 713) و در حقوق امریکا به موجب شروط عمومی بیمه‌های مسوولیت (Keeton & Widdis, 2003, at 988 & 989) اداره دادرسی علاوه بر آنکه حق بیمه‌گر است، تکلیف او هم هست. برعکس در حقوق فرانسه (Picard et Besson, 1975, n. 373; Viney et Jourdain, 20001, n. 401) و انگلیس (Birds & Hird, 2001 p. 351) شرط اداره دادرسی برای بیمه‌گر نسبت به دفاع از دعوا تکلیفی به همراه نمی‌آورد و بیمه‌گر در صورتی که مایل باشد می‌تواند از اداره دعوا انصراف دهد.

تفسیر اخیر با طبیعت بیمه مسوولیت و هدف شرط اداره دادرسی سازگاری بیشتری دارد: اولاً- بیمه مسوولیت، همچنانکه از نام آن پیداست، تنها مسوولیت بیمه‌گذار را پوشش می‌دهد و نه صرف ادعای مسوولیت را. ثانیاً- هدف شرط اداره دادرسی هم حفظ منافع بیمه‌گر و جلوگیری از تبانی بیمه‌گذار و بی‌احتیاطی او در اداره دعوا است. از سوی دیگر شیوه نگارش شرط هم در حقوق ما به گونه‌ای است که دفاع از دعوا را حق بیمه‌گر به شمار می‌آورد نه تکلیف او (ر.ک. یادداشت ۱). بنابراین، بیمه‌گر مکلف به اداره دعوا نیست مگر آنکه به این امر تصریح شده باشد یا بیمه‌گذار در بیمه مسوولیت، پوشش اضافی "بیمه حمایت حقوقی" (Assurance de protection juridique) را تحصیل کرده باشد.

منتها باید توجه داشت که اگر چه بیمه‌گر در استفاده از شرط مختار است، اما در صورتی که تصمیم بگیرد از آن استفاده کند، باید همانند یک وکیل امین منافع بیمه‌گذار را در نظر داشته باشد و اگر تقصیری مرتکب شود در برابر بیمه‌گذار مسوول است. بیمه‌گر بویژه مسوول تقصیرهایی است که وکلای انتخابی او مرتکب می‌شوند. (Lambet-Faivre, 1996, n. 666).

### بند دوم - ماهیت و اعتبار شرط

برخی مفاد این شرط را نوعی اعطای وکالت می‌دانند (Picard et Besson, 1975, n. 373). رویه قضایی فرانسه آنرا "وعده یکطرفه وکالت" از طرف بیمه‌گذار به شمار آورده است که بیمه‌گر می‌تواند آنرا رد یا قبول کند (نقل از: Viney et Jourdain, 2001, n. 401). سر انجام عده ای ضمن نفی مفهوم وکالت آنرا یک قرارداد خاص (Contart sui generis) به شمار می‌آورند بدون آنکه دقیقاً ماهیت این قرارداد خاص را تشریح نمایند (رک. Briere de Isle, Dalloz 1950, p. 400; Beignier, 1999, p. 277). باید دانست اگر این توافق وکالت یا وعده وکالت باشد، اگرچه بیمه‌گذار حق فسخ آنرا ندارد (زیرا ضمن عقد لازم بیمه آمده است: ماده ۶۷۹ قانون مدنی) اما با موت موکل منفسخ می‌شود (ماده ۹۵۴ قانون مدنی). به علاوه خود موکل (بیمه‌گذار) هم حق دفاع و اداره دعوا را دارد. (برای دیدن ضمانت اجرای دخالت بیمه‌گذار علیه مخالف بیمه‌گر رک. بند دوم از گفتار دوم).

الف- وکالت- در جهت نفی وجود وکالت ممکن است گفته شود بیمه‌گر نمی‌تواند به وکالت از بیمه‌گذار در دادرسی شرکت کند زیرا کسی می‌تواند به عنوان خواننده یا خواهان در دادرسی شرکت کند که یا اصیل باشد یا وکیل دادگستری. پاسخ این ایراد ساده است: بیمه‌گر به موجب چنین شرطی حق توکیل هم تحصیل می‌کند تا از طریق وکیل دادگستری دعوا را اداره کند. حتی در فقدان تصریح به توکیل، حق توکیل را باید از لوازم چنین وکالتی دانست (ماده ۶۷۱ قانون مدنی). ایراد دیگری که ممکن است بر این تحلیل گرفته شود، آن است که در عقد وکالت هزینه‌های انجام وکالت به عهده موکل است (ماده ۶۷۵ قانون مدنی). در حالیکه در فرض ما اگر بیمه‌گر تصمیم به استفاده از شرط بگیرد، هزینه اداره دعوا به عهده خود بیمه‌گر است. این ایراد هم قابل رفع است زیرا قاعده مذکور یک قاعده تکمیلی است نه امری. اما آنچه تعبیر این شرط به وکالت را دشوار می‌کند آن است که در عقد وکالت موکل بر اعمال وکیل نظارت دارد و به او دستورات لازم برای انجام وکالت را می‌دهد (Beignier, 1999, p. 277; Keeton & Widdis, 2003, p. 808). در حالیکه در فرض ما چنین نیست: بیمه‌گذار بر بیمه‌گر تسلط و نظارتی ندارد. بیمه‌گر آنطور که صلاح می‌داند دعوا را اداره می‌کند. به همین ترتیب، بیمه‌گذار بر وکیلی که بیمه‌گر انتخاب می‌کند هم تسلطی ندارد و وکیل اخیر تنها از بیمه‌گر تبعیت می‌کند. (در حقوق فرانسه، بیمه‌گر در اجرای این شرط، اغلب اجازه می‌دهد خود بیمه‌گذار در دادرسی شرکت کند منتها بیمه‌گذار باید تحت نظارت و به دستور بیمه‌گر (وکیل) عمل کند و این وضعیت، تعبیر چنین شرطی را به وکالت دشوارتر می‌کند: Beignier, 1999, p. 277). به علاوه بیمه‌گر به هنگام اداره دعوا نفع خود را در نظر دارد نه نفع بیمه‌گذار؛ و این واقعیت هم تحلیل شرط به وکالت را دشوار می‌سازد. در پاسخ باید گفت اگر چه امکان نظارت موکل بر وکیل قاعده عمومی عقد وکالت است اما به نظر نمی‌رسد با منتفی شدن آن ماهیت وکالت دگرگون شود. اصولاً طبیعت هر وکالت بلاعزلی، استقلال وکیل است. به عنوان مثال

زوجه ای که ضمن نکاح وکالت در طلاق تحصیل کرده است، در انجام مورد وکالت مستقل عمل می‌کند. نکته دیگر آنکه در فرض ما منافع موکل و وکیل (بیمه‌گذار و بیمه‌گر) در اغلب موارد، همسو است نه متعارض: نفع هر دوی آنها در محکوم نشدن بیمه‌گذار است. به این ترتیب به نظر می‌رسد ماهیت این شرط نوعی اعطای وکالت (به صورت شرط نتیجه) است (در شرایط عمومی بیمه نامه مسوولیت حرفه ای پزشکان، وکالت بیمه‌گر در قالب شرط فعل درج شده است: بیمه‌گذار متعهد است بیمه‌گر را وکیل و وکیل در توکیل سازد. این شرط به زیان بیمه‌گر است: پس از اعطای وکالت، بیمه‌گذار می‌تواند بیمه‌گر را از وکالت عزل کند زیرا وکالت در ضمن بیمه شرط نشده است بلکه آنچه شرط شده، تعهد به اعطای وکالت بوده است که انجام شده است. بنا براین نفع بیمه‌گر در آن است که همانند آنچه در بیمه مسوول است متصدی حمل و نقل می‌گذرد، این وکالت به شکل شرط نتیجه در قرارداد درج شود تا بیمه‌گذار نتواند بیمه‌گر را عزل کند). اما از طرف دیگر، بیمه‌گذار هم مکلف است اداره دعوا را به بیمه‌گر بسپارد. و در جهت انجام این تعهد باید، اولاً، اسناد و مدارک دعوا (اخطاریه‌ها و احضار نامه‌ها...) را به بیمه‌گر تحویل دهد و ثانیاً، شخصاً از حضور در دادرسی بدون اجازه بیمه‌گر امتناع کند. پس در نهایت مفاد شرط اداره دادرسی به یک شرط نتیجه (وکالت بیمه‌گر) همراه با یک شرط فعل منفی (تعهد بیمه‌گذار به عدم حضور در دادرسی) و یک شرط فعل مثبت (ارایه اسناد دعوا به بیمه‌گر) تجزیه می‌شود.

ب- وعده وکالت - تحلیل شرط اداره دادرسی به وعده وکالت (به این معنا که بیمه‌گذار ضمن عقد بیمه ایجاب وکالت را داده است و تعهد کرده است از آن عدول ننماید و بیمه‌گر اختیار قبول یا رد این وعده را دارد) هر چند از لحاظ آثار تا حد بسیار زیادی همانند تحلیل شرط، به خود وکالت است، اما به مذاق حقوقی ما چندان سازگار نیست؛ تفسیر اراده طرفین را بی‌هوده پیچیده می‌کند و در عین حال منافع بیمه‌گر را به اندازه کافی تأمین نمی‌کند: اگر بیمه‌گر این وعده را قبول نماید، ممکن است گفته شود که در نهایت وکالت ضمن عقد بیمه محقق نشده است و بنابراین، جایز است زیرا قبول عقد وکالت ضمن عقد بیمه به عمل نیامده است و از جهت اثر همانند موردی است که اعطای وکالت به صورت شرط فعل بر عهده بیمه‌گذار قرار گرفته باشد. از سوی دیگر اگر بیمه‌گر در حادثه اول این وعده را رد کند، در حادثه دوم نمی‌تواند از آن استفاده کند زیرا ایجاب وکالت با رد بیمه‌گر زایل شده است.

ج- قرارداد خاص - کسانی که شرط اداره دادرسی را قرارداد خاص محسوب می‌کنند تنها به نفی مفهوم وکالت یا وعده وکالت بسنده می‌کنند بدون آنکه ماهیت این قرارداد خاص را تشریح کنند: آنان بویژه بر این امر تأکید می‌کنند که چگونه رابطه طرفین می‌تواند مشمول قواعد وکالت باشد در حالیکه بیمه‌گذار به عنوان موکل نظارتی بر اعمال وکیل (بیمه‌گر) ندارد، بلکه برعکس تحت نظارت بیمه‌گر عمل می‌کند. همچنین بر اساس قواعد عمومی وکالت، در فرض وکالت در توکیل، اصیل باید بتواند بر اعمال وکیل دوم نظارت کند و او را عزل نماید. در حالیکه

در فرض ما وکیل دادگستری که از سوی بیمه‌گر انتخاب شده است، تنها تحت نظارت بیمه‌گر است و نه بیمه‌گذار. (Beignier, 1999, p. 277) به همین دلیل برخی از نویسندگان به عدم اعتبار چنین شرطی متمایل شده‌اند. (Viney et Jourdain, 2001, n. 406) در حقوق بلژیک این شرط به طور سنتی به وکالت تعبیر شده است، اما قانون جدید بیمه بلژیکی ضمن آنکه برخی آثار وکالت را بر این شرط بار کرده است (مسئولیت بیمه‌گر به عنوان وکیل در صورت تقصیر در دفاع) مقرر کرده است که این شرط نمی‌تواند به ضرر بیمه‌گذار عمل کند. برای مثال اگر در نتیجه اداره دعوا توسط بیمه‌گر، بیمه‌گذار به مبلغی افزون بر سقف تضمین بیمه ای محکوم شود، زیان‌دیده نمی‌تواند بابت این مبلغ اضافی به بیمه‌گذار رجوع کند. (Fontaine, 2006, n. 720) روشن است که این نتیجه با قواعد حاکم بر وکالت سازگار نیست زیرا وکیل به نام و حساب موکل عمل می‌کند. به هر حال به نظر می‌رسد با وضع فعلی حقوق ما (پذیرش وکالت بلاعزل) چنین شرطی به عنوان وکالت، معتبر است.

### گفتار دوم - آثار شرط

در دو بند آثار شرط هدایت دادرسی را نسبت به بیمه‌گذار و بیمه‌گر مطالعه می‌کنیم؛

#### بند نخست - آثار شرط نسبت به بیمه‌گر

##### ۱- آثار مثبت

الف- بیمه‌گر می‌تواند وکیل دادگستری را به انتخاب خود تعیین کند و تحت نظارت خود در جلسه دادرسی شرکت دهد.

ب- از آنجا که وکالت بیمه‌گر در دفاع از دعوا مطلق است، بیمه‌گر از تمام اختیارات لازم در امر دادرسی برخوردار است و بخصوص حق دارد از رای صادره پژوهش و فرجام بخواهد و به طور کلی از حق طرح تمام طرق شکایت از احکام بر خوردار است. درست است که به موجب قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۳۵) وکیل در دادرسی حق ندارد از طرق شکایت از احکام استفاده کند مگر اینکه به این امور در وکالتنامه تصریح شده باشد، ولی محدودیت‌های مذکور در این قانون فقط در مورد وکیل دادگستری اعمال می‌شود و اگر شخصی به کسی غیر از وکیل دادگستری حق طرح دعوا بدهد، لازم نیست به اختیارات مذکور در قانون آیین دادرسی تصریح کند. با وجود این، احتیاط ایجاب می‌کند که در شرایط عمومی به این امر تصریح شود.

باید دانست که بیمه‌گذار نمی‌تواند مانع پژوهش خواهی بیمه‌گر شود زیرا وکالت بیمه‌گر، بلاعزل است. اگر در اثر تجدید نظر خواهی بیمه‌گر، علیرغم میل بیمه‌گذار، مسئولیت بیمه‌گذار

در این مرحله افزایش یابد (مثلا بیمه‌گذار به مبلغی اضافه بر سقف تضمین بیمه ای محکوم شود) نمی‌توان بیمه‌گر را مسوول دانست مگر آنکه مرتکب تقصیر شده باشد. برای مثال، اگر بر اساس قراین و امارات احتمال نقض حکم بدوی بسیار کم بوده و با وجود این، بیمه‌گر تجدیدنظر خواهی کرده باشد و در نتیجه محکومیت بیمه‌گذار تشدید شده باشد، بیمه‌گر مسوول جبران خسارت است (Picard et Besson, 1975, n. 374) در توضیح بیشتر قضیه، باید به این نکته توجه داشت که در حقوق ایران به علت عدم پیش بینی مقررات پژوهش تبعی در قانون آیین دادرسی مدنی، امکان محکومیت تجدید نظر خواه به میزانی بیش از آنچه در مرحله بدوی به آن محکوم شده است، وجود ندارد زیرا اگرچه پژوهش دارای اثر انتقالی است، با وجود این از آنجا که موضوع تجدید نظر خواهی، بنا به فرض، تنها کاهش میزان محکومیت است، دادگاه تجدید نظر فقط باید نسبت به این امر رسیدگی کند (ماده ۳۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی) و نمی‌تواند محکومیت را افزایش دهد (شمس، ۱۳۸۱، ش ۷۶۸). اما چنانچه بیمه‌گر بخواهد، پس از انقضای مهلت تجدید نظر از مقررات فرجام خواهی استفاده کند (ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی) به دلیل پیش بینی فرجام تبعی (ماده ۴۱۳) ممکن است محکومیت بیمه‌گذار افزایش یابد. (

ج- از آنجا که اداره دادرسی حق بیمه‌گر است و نه تکلیف او، بیمه‌گر می‌تواند از اداره دعوا امتناع کند و دفاع را به بیمه‌گذار بسپارد. همچنین پس از صدور حکم بدوی بیمه‌گر می‌تواند از پژوهش خواهی انصراف دهد. انصراف بیمه‌گر از پژوهش خواهی می‌تواند به دو معنا باشد: گاه بیمه‌گر بیمه‌گذار را در تجدید نظر خواهی، آزاد می‌گذارد. گاه دیگر بیمه‌گر مصلحت را در آن می‌بیند که از رای تجدید نظر خواهی نشود. اگر چه در این حالت بیمه‌گذار می‌تواند راسا به پژوهش خواهی اقدام کند (زیرا شرط اداره دادرسی باعث سقوط حق او نمی‌شود) اما اگر در مرحله تجدید نظر خواهی محکومیت او تشدید یابد بیمه‌گر ضامن میزان اضافی محکومیت او نیست هر چند این مبلغ اضافی زاید بر سقف تضمین نباشد. علت این امر آن است که بیمه‌گذار بر اساس شرط، مکلف است بر طبق نظر بیمه‌گر عمل کند. بنابراین، چنانچه از این تعهد عدول کند، نتایج این نقض عهد را باید تحمل کند. اگر بیمه‌گر انصراف از تجدید نظر خواهی را به مصلحت دیده است و بیمه‌گذار بر خلاف عقیده بیمه‌گر تجدید نظر خواهی کند، بیمه‌گر را نمی‌توان ضامن مبلغ اضافی دانست (اما باید دانست که این ایراد در مقابل زیان‌دیده قابل استناد نیست و بیمه‌گر باید خسارت زیان‌دیده را جبران کند و «گاه برای وصول ما به التفاوت مرحله تجدید نظر خواهی به بیمه‌گذار خود مراجعه نماید. برای دیدن مبانی عدم قابلیت استناد برخی ایرادات در مقابل زیان‌دیده رک. کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۸۷، ش ۷۸۷ و بعد) برعکس، اگر نتیجه تجدید نظر خواهی بیمه‌گذار، کاهش محکومیت او باشد، بدیهی است بیمه‌گر از این کاهش منتفع می‌شود زیرا بیمه‌گر افزون بر مسوولیت بیمه‌گذار، تعهدی ندارد. (Picard et Besson, 1975, n. 374)

## ۲- آثار منفی

الف- عدم امکان اعتراض ثالث- آیا بیمه‌گر می‌تواند، در حالی که اداره دعوا علیه بیمه‌گر را به عهده داشته است، برحکمی که در نتیجه این دعوا صادر می‌شود، به عنوان ثالث معترض شود؟ برخی از نویسندگان (Picard et Besson, 1975, n. 374). و آرای فرانسوی (دادگاه پیژوهش دیژون (Dijon)، ۲۴ اکتبر ۱۹۵۲، نقل از: همان) بر این عقیده‌اند که بیمه‌گر با اداره دعوا وصف ثالث بودن را از دست می‌دهد. در نتیجه نمی‌تواند بر این حکم به عنوان ثالث معترض شود. این عقیده قابل انتقاد است. زیرا بیمه‌گر به عنوان وکیل دعوا را اداره می‌کند. و به عنوان یکی از "اصحاب دعوا" در دادرسی دخالت ندارد. پس نسبت به حکم ثالث محسوب می‌شود. با وجود این از آنجا که بیمه‌گر با اداره دعوا به طور غیر مستقیم به دفاع از منافع شخصی خود هم می‌پردازد (و اصولاً هدف اصلی او از اداره دعوا تامین منافع شخصی خویش است) می‌توان چنین فرض کرد که تصمیم بیمه‌گر به اداره دعوا به معنای انصراف از حق اعتراض ثالث است (Viney et Jourdain, 2001, n. 406).

ب- انصراف از ایرادات- اساس مطلب در اینجا آن است که بیمه‌گر ممکن است به دلایلی چند مسوول جبران خسارت نباشد (مثلاً خطر ایجاد شده تحت پوشش بیمه نباشد یا در دوران تعلیق تامین یا پس از انقضای مدت اعتبار عقد بیمه رخ داده باشد یا بیمه‌گذار در موعد مقرر حادثه را به اطلاع بیمه‌گر نرسانده باشد و....). در چنین فرضی اگر بیمه‌گر تصمیم بگیرد از شرط اداره دعوا استفاده کند، آیا می‌توان این اقدام را به منزله انصراف بیمه‌گر از ایرادات موجود دانست و بیمه‌گر را به جبران خسارت متعهد دانست؟ در حقوق انگلیس و آمریکا این موضوع ذیل استناد به قاعده "استوپل" (Stopple) در برابر بیمه‌گر مطرح می‌شود و تحت شرایطی پذیرفته شده است. در حقوق فرانسه هم پاسخ کلی این پرسش، مثبت است. در واقع، ماده ۱۷-۱۱۳ قانون بیمه فرانسه مقرر می‌دارد: "فرض بر آن است که بیمه‌گری که اداره دعوای اقامه شده علیه بیمه‌گذار را به عهده می‌گیرد، با این اقدام، از تمام ایراداتی که به هنگام به عهده گرفتن اداره دعوا به آنها عالم بوده است، انصراف داده است." به نظر می‌رسد با جمع شرایط زیر بتوان شرکت بیمه‌گر را در دادرسی به معنای انصراف از ایرادات تعبیر کرد:

۱- علم بیمه‌گر به وجود ایراد: اداره دادرسی وقتی به معنای انصراف از ایراد است که بیمه‌گر به وجود آن ایراد آگاهی داشته باشد. ملاک ماده ۶ قانون بیمه که دریافت حق بیمه توسط بیمه‌گر علی‌رغم اطلاع از تشدید خطر را نشانه رضایت بیمه‌گر به ادامه قرارداد می‌داند، موید این شرط است.

۲- ایراد مورد نظر باید در مقابل زیان‌دیده قابل استناد باشد (نظیر ایراد خروج حادثه از شمول خطرات مورد بیمه). اما چنانچه این ایراد در مقابل زیان‌دیده غیر قابل استناد باشد (نظیر ایراد عدم وجود گواهی‌نامه رانندگی در بیمه شخص ثالث حوادث رانندگی) اداره دعوا توسط بیمه‌گر



را نمی توان نشانه انصراف از ایراد دانست هرچند بیمه‌گر عالم به وجود ایراد باشد زیرا در چنین حالتی از آنجا که بیمه‌گر در مرحله رجوع ممکن است با دشواری‌هایی نظیر اعسار بیمه‌گذار مواجه شود، نفع مسلمی در اداره دعوا دارد.

۳- ایراد مورد نظر باید به گونه‌ای باشد که بیمه‌گر را به طور کلی از جبران خسارت معاف کند. دفاع بیمه‌گری که علی‌رغم محدودیت سقف تضمین یا فرانشیز به اداره دعوا می‌پردازد نمی‌تواند به معنای انصراف از این ایرادات به شمار آید.

۴- وجود آن ایراد باید مسلم باشد نه احتمالی

۵- اگر با وجود همه این شروط، بیمه‌گر قبل از اداره دعوا، حق توسل به ایراد را برای خود محفوظ بدارد، باز هم انصراف از ایراد منتفی است زیرا اسقاط حق یک عمل حقوقی است و نمی‌توان آنرا به بیمه‌گر تحمیل نمود.

به این ترتیب در صورت تحقق این شرایط، اداره دعوا توسط بیمه‌گر را می‌توان به معنای انصراف از ایراد یا اقرار به دین محسوب کرد (در حقوق آمریکا چنانچه بیمه‌گر به موجب توافق با بیمه‌گذار حق استناد به ایراد را برای خود محفوظ دارد، از این توافق با نام "توافق عدم انصراف" (Non-waiver Agreement) یاد می‌شود و چنانچه به موجب اعلام یکطرفه بیمه‌گر (ایقاع) باشد، از آن با نام "هشدار حفظ حقوق" (Reservation of Rights Notice) یاد می‌شود. از نظر برخی محاکم آمریکایی این اعلام یکطرفه اعتباری ندارد. ر.ک. Dobbyn, 2003, at. 361-36.

ج- مسوولیت بیمه‌گر - بیمه‌گر همانند هر وکیل دیگری در صورت ارتکاب تقصیر در مقابل موکل خود (بیمه‌گذار) مسوول است (شعبه مدنی دیوان کشور فرانسه ۲۵ ژانویه ۱۹۵۸، نقل از: Viney et Jourdain, 2001, n. 406)

### بند دوم - آثار شرط بر بیمه‌گذار

۱- با وجود شرط اداره دادرسی بیمه‌گذار حق خود را در دفاع از دعوا از دست نمی‌دهد. شرط اداره دعوا به سقوط حق بیمه‌گذار نسبت به دفاع از دعوای زیان‌دیده نمی‌انجامد. اگر چنین بود ممکن بود به بطلان شرط به دلیل مخالفت با نظم عمومی قضایی حکم داده شود (زیرا حق دادخواهی از حقوق اساسی است و قابل اسقاط نیست: Mazeaud et al., 1950, n. 2676). با وجود این، بیمه‌گذار مکلف است اداره دعوا را به بیمه‌گر بسپارد. چنانچه بر خلاف این تعهد عمل کند، و با وجود اعلام بیمه‌گر مبنی بر تمایل به اداره دعوا شخصا در دادرسی حضور یابد و محکوم شود، بیمه‌گر تکلیفی به جبران خسارت ندارد. همچنین اگر علی‌رغم میل بیمه‌گر، به پژوهش خواهی اقدام کند و در مرحله تجدید نظر محکومیت او تشدید شود، نسبت به مبلغ اضافی که دادگاه تجدید نظر به آن حکم داده است، حقی بر بیمه‌گر ندارد.

با وجود این، تکلیف بیمه‌گذار به عدم شرکت مستقل در دادرسی در مواردی با استثنا روبرو می‌شود:

۱- اگر دادگاه حضور بیمه‌گر را لازم بدانند، حضور بیمه‌گذار در دادرسی حق او را ساقط نمی‌کند. اما بیمه‌گذار نباید نزد دادگاه به مسوولیت خود اقرار کند یا با زیان‌دیده مصالحه کند.

هنگامی که بحث تعارض منافع بیمه‌گر و بیمه‌گذار در میان است (برای مثال موضوع ایراد عمدی حادثه)، می‌توان بر این اعتقاد بود که وکالت بیمه‌گر پایان می‌پذیرد و بیمه‌گذار حق دارد شخصا یا به وسیله وکیل انتخابی خود در دادرسی حاضر شود (ر.ک. بند ۲ ماده ۷۹ قانون بیمه بلژیک: Fontaine, 2003, n. 718).

۲- چنانچه زیان‌دیده به طرح شکایت کیفری علیه بیمه‌گذار اقدام کرده باشد، بیمه‌گذار حق دارد شخصا در دادرسی حضور پیدا کند. در واقع از آنجا که ضمانت اجرای جزایی اغلب متوجه شخص بیمه‌گذار است و نه دارایی او (حبس)، و حتی در مواردی که بیمه‌گذار به جزای نقدی محکوم می‌شود این محکومیت تحت پوشش بیمه قرار ندارد و همچنین با لحاظ آثار و تبعات اجتماعی محکومیت کیفری، شرط سپردن اداره دعوا به بیمه‌گر و محروم کردن بیمه‌گذار از حضور در دعوای کیفری (حتی در قالب تعهد به عدم شرکت در دادرسی) خلاف نظم عمومی است (Mazeaud et al., 1950 n. 2676). به علاوه، در برخی مراحل دادرسی کیفری حضور شخص متهم اجباری است.

به نظر می‌رسد همین امر یکی از دلایل عمده عدم اجرای شرط اداره دادرسی در حقوق بیمه ایران باشد. با وجود این در موارد زیر بیمه‌گر می‌تواند در دادرسی جزایی هم به عنوان نماینده بیمه‌گذار دخالت کند:

الف- چنانچه زیان‌دیده بر اساس مقررات آیین دادرسی کیفری، به طرح دعوای خصوصی در دادگاه کیفری اقدام کرده باشد، از آنجا که طبع این دعوا به طور کامل مدنی است، بیمه‌گر می‌تواند از شرط اداره دادرسی استفاده کند و بیمه‌گذار هم مکلف به سپردن دعوای خصوصی به بیمه‌گر است.

ب- در تمام مواردی که ضمانت اجرای فعل زیانبار بیمه‌گذار در دیه خلاصه می‌شود و عمل او هیچ ضمانت اجرای جزایی دیگری ندارد (برای مثال، در قتل خطای محض) بیمه‌گر می‌تواند همچنان از این شرط استفاده کند هر چند قضیه در دادگاه کیفری مطرح باشد (البته پس از صدور کیفرخواست و در مرحله دادگاه).

ج- در سایر موارد پیشنهاد می‌گردد بیمه‌گر با اخذ حق بیمه اضافی از بیمه‌گذار، پوشش حمایت حقوقی را به تعهدات خود بیفزاید تا بتواند به نمایندگی از بیمه‌گذار از طریق وکیلی که تعیین می‌کند در دادرسی جزایی شرکت کند. البته این وکیل بر خلاف فروض قبل باید مورد تایید بیمه‌گذار باشد زیرا بیمه حمایت حقوقی حق بیمه‌گذار است و نه تکلیف او. به این ترتیب هم منافع بیمه‌گر تعیین می‌شود و هم منافع بیمه‌گذار (Fontaine, 2006, n. 718).

۲- بیمه‌گذار باید به عنوان تکلیف سپردن دعوا به بیمه‌گر تمام اسناد و مدارک، ابلاغ‌ها و احضاریه‌ها را در موعد مقتضی به بیمه‌گر تحویل دهد و گرنه مسوول جبران خسارت بیمه‌گر است. البته در بیمه‌نامه‌های مسوولیت شرط مستقلی هم در این زمینه وجود دارد.

### نتیجه

شرط اداره دادرسی در بیمه‌نامه‌های مسوولیت در کشورهایی که در این تحقیق مطالعه شده‌اند (فرانسه- بلژیک- انگلیس و آمریکا) از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و امتیاز بزرگی برای بیمه‌گر در مقابل با سوء نیت یا بی احتیاطی بیمه‌گذاران محسوب می شود. در عین حال اجرای شرط به نفع بیمه‌گذار هم هست زیرا یک شخص حرفه‌ای (وکیل بیمه‌گر) از منافع او دفاع می‌کند. در حقوق ایران اگر چه این شرط در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌های مسوولیت وجود دارد اما بیمه‌گران به ندرت از این امتیاز استفاده می‌کنند. شاید بتوان دلایل عدم استفاده از این شرط را به شرح ذیل خلاصه کرد:

۱- هزینه زیاد اجرای شرط- از آنجا که در صورت تصمیم بیمه‌گر به استفاده از شرط، هزینه اداره دعوا و از جمله حق الوکاله وکیل دادگستری بر عهده بیمه‌گر است، استفاده از این شرط بار مالی زیادی به بیمه‌گر تحمیل می‌کند.

۲- ابهام در تحلیل حقوقی شرط و امتیازات استفاده از شرط و مضرات عدم اجرای آن

۳- اثبات مسوولیت بیمه‌گذار در دادرسی جزایی- در حقوق ایران قریب به اتفاق خسارات بدنی در دادرسی های جزایی مورد حکم قرار می‌گیرند و استفاده از شرط اداره دادرسی در دادرسی‌های جزایی محدودیت‌های زیادی دارد.

اضافه می‌نماید که انشای شرط اداره دادرسی در شرایط عمومی بیمه‌نامه‌های مسوولیت متفاوت است و جامع هم نیست.

به منظور یکسان سازی این شروط و غنی کردن مفاد آن و فراهم آوردن زمینه اجرایی آن، متن زیر به عنوان نمونه یک شرط جامع اداره دادرسی پیشنهاد می‌گردد:

### "شرط اداره دادرسی"

۱- در صورت وقوع حادثه و طرح ادعای مسوولیت علیه بیمه‌گذار - یا هر شخصی که مسوولیت او تحت پوشش بیمه است- بیمه‌گر وکیل بیمه‌گذار یا بیمه شده است تا به عنوان نماینده بیمه‌گذار یا بیمه شده در دادرسی شرکت نماید.

۲- بیمه‌گر از حق توکیل به وکیل دادگستری با تمام اختیارات برخوردار است و از جمله نسبت به اعتراض به رای، تجدید نظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی، مصالحه و سازش، ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند، ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور، وکالت

در توکیل، تعیین مصدق و کارشناس، دعوای خسارت استرداد دادخواست یا دعوا، جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث، ورود شخص ثالث و دفاع از دعوی ورود ثالث، در دعوای متقابل و دفاع در قبال آن، وکالت دارد.

۳- شرط اداره دادرسی برای بیمه‌گر تکلیفی نسبت به اداره دعوا ایجاد نمی‌کند و بیمه‌گر می‌تواند از استفاده از شرط انصراف دهد. همچنین بیمه‌گر می‌تواند در برخی حوادث از آن انصراف دهد و در برخی دیگر از حوادث آنرا به کار بگیرد. در هر حال در صورت انصراف، بیمه‌گر مکلف است آنرا به اطلاع بیمه‌گذار برساند.

۴- چنانچه بیمه‌گر تصمیم به استفاده از شرط بگیرد، بیمه‌گذار مکلف است اداره دعوا را به بیمه‌گر بسپارد و نمی‌تواند شخصا به دفاع از دعوا بپردازد. در صورت تخلف، بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گذار نسبت به جبران خسارت تعهدی نخواهد داشت."

## منابع و مأخذ

### الف- فارسی

- ۱- امامی، سید حسن، (۱۳۴۰)، حقوق مدنی، ج ۱، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- ۲- شمس، عبدالله (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، چاپ اول، نشر میزان.
- ۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، عقود معین، ج ۴، عقود اذنی - وثیقه‌های دین، شرکت سهامی انتشار.
- ۴- کاتوزیان، ناصر و ایزانلو، محسن (۱۳۸۷)، بیمه مسولیت مدنی، چاپ نخست، انتشارات دانشگاه تهران.

### ب- انگلیسی و فرانسوی

- 1- Beignier(Bernard)(1999), **Droit du contrat d'assurance**, Puf.
  - 2- Birds(John) & Hird(Norma J. )(2001), **Birds' Modern Insurance Law**, 5<sup>th</sup> Ed. , Thomson, Sweet & Maxwell.
  - 3- Dobbyn(John F. )(2003), **Insurance Law**, Thomson & West.
  - 4- Fontaine(Marcel)(2006), **Droit des assurances**, *Precis de la faculte de droit de l'Universite catholique de Louvain*, 3e ed. , Larcier.
  - 5- Groutel(Hubert), Leduc(Fabric), Pierre(Philippe) et Aselain(Maud), (2008), **Traite du contrat d'assurance terrestre**, Litec.
  - 6- Lambert-Faivre(Yvonne)(1995), **Droit des assurances**, 9e ed. , Dalloz.
  - 7- Mazeaud(Henri, Leon et Jean)(1950), **Traite theorique et pratique de la responsabilite civile**, t. 3,4e ed. , Montchristien.
  - 8- Picard(Maurice) et Besson(Andre)(1975), **Traite de droit des assurances**, t. 1: **Le contrat d'assurances**, LGDJ.
  - 9- Keeton(Robert A. ) & Widiss(Alain I. )(2003), **Insurance Law**, Printed in United States of America, Thomson & West.
- Viney(Genevieve) et Jourdain(Patrice)(2001), **Les effets de la responsabilite**, 2e ed. , LGDJ